

# آزادسازی بازرگانی در بخش کشاورزی و اثر آن بر رفاه اقتصادی

دکتر صادق بختیاری\*

بهنام سالم\*\*

## چکیده

در این مقاله نشان داده می‌شود که از میان رفتن محدودیت‌های موجود بر سر راه صدور کالاهای کشاورزی کشورهای رو به توسعه، منافع بالقوه چشمگیری برای این کشورها پدید می‌آورد. در زمینه افزایش بهای جهانی مواد خوراکی و آثار آن بر امنیت خوراکی کشورهای واردکننده باید گفت که این پدیده با توجه به جابه‌جایی عوامل تولید از بخشهای غیر کارا به بخشهای کارا همیشه به زیان کشورهای واردکننده نیست و حتی کشورهای دارای مزیت نسبی در تولید مواد خوراکی می‌توانند از واردکننده به صادرکننده مواد خوراکی تبدیل شوند.

مشکلاتی چند بر سر راه کشورهای رو به توسعه است که می‌تواند فرایند آزادسازی را نابسامان سازد و در میان آنها می‌توان از وابستگی سنگین این کشورها به درآمدهای حاصل از تعرفه‌های گمرکی یا هزینه‌های چشمگیر برآمده از رعایت حقوق مالکیت معنوی یا لزوم حفظ سپرده‌های کلان ارزی برای نشان دادن ثبات مالی کشور یاد کرد. مشکلات یاد شده همراه با مشکل برآورد آثار آزادسازی و به کارگیری الگوهای اقتصادسنجی و نبود امکان در نظر گرفتن همه این آثار و پیامدها، از مسائلی است که موجب می‌شود نتایج برآمده از این الگوها را چشم بسته نپذیریم.

با توجه به آنچه گفته شد، نتیجه‌گیری می‌شود که با تأکید بر اجرای منطقی و آرام آرام آزادسازی بازرگانی در بخش کشاورزی، باید به بهبود آموزش نیروی کار برای ایجاد توانایی جابه‌جایی به بخش‌های کارا تر، تلاش کرد، و یک سامانه تأمین اجتماعی جامع می‌تواند در کاهش آثار منفی آزادسازی نقشی برجسته بازی کند.

\* دانشیار اقتصاد - دانشگاه اصفهان

\*\* دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه اصفهان

## پیشگفتار

کشورها به افزایش رفاه جهانی می‌انجامد. با وجود تحوّل و تکامل مکاتب اقتصادی، امروزه نیز آزادسازی بازرگانی از سوی بسیاری از اقتصاددانان پشتیبانی می‌شود که خواهان شناور بودن نرخ ارز و تعیین آن در بازار آزاد، جدا از هر گونه دخالت دولت هستند.

در واقع با آزادسازی بازرگانی و دسترسی به بازارهای بزرگتر، سرمایه‌گذاری در صنایع کشور افزایش می‌یابد و بازده آن هم بیشتر می‌شود. گذشته از آن، آزادسازی، بر کارایی سرمایه‌گذاری می‌افزاید و به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) می‌انجامد؛ سرانجام اینکه آزادسازی و گشایش اقتصادی می‌تواند مایهٔ افزایش بهره‌وری، دانش و مهارت و رشد اقتصادی شود.

بر پایهٔ قضیه Stolper - Samuelson، بر سر هم در میان مدت و دراز مدت، بازرگانی به سود فرودستان است زیرا «کار»، مهمترین دارایی تهیدستان است و بازرگانی باعث سودرسانی به عامل کار می‌گردد؛ بویژه آنکه بیشتر کشورهای کم‌درآمد، از عوامل انسانی بیشتری برخوردارند. ناگفته نباید گذاشت که این قضیه بر پایهٔ فرضیاتی محدودکننده استوار است که در جهان واقع چندان راست نمی‌آید. اقدامات در زمینهٔ آزادسازی، همچون از میان برداشتن موانع غیر تعرفه‌ای و کاهش

در دههٔ نخست پس از پیروزی انقلاب، به علتهای گوناگون از جمله پیش آمدن جنگ تحمیلی، امکان بهترین بهره‌گیری از منابع و امکانات جامعه برای رشد و توسعهٔ اقتصادی کشور فراهم نشد. پس از جنگ، تدوین برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را می‌توان گامی در راستای بهره‌گیری درست از منابع اقتصادی به‌شمار آورد. از سیاستهای دولت، سیاست تعدیل اقتصادی، بر پایهٔ رقابتی کردن همهٔ بازارها بود. از پیامدهای منفی این سیاستها بویژه در کوتاه مدت افزایش فقر و بیکاری و کاهش نسبی تشکیل سرمایه بود. این سیاستها بیش از همه، به زیان بخش کشاورزی پیش رفت. تجارب جهانی نیز گویای آن است که در سایهٔ آزادسازی و تعدیل اقتصادی، بخش کشاورزی بیشترین زیان را می‌بیند. بنابراین لازم است مشکلات برآمده از سیاست تعدیل و آزادسازی بازرگانی به درستی بررسی و با شناخت ابعاد گوناگون مسئله، به اجرای سیاست آزادسازی با کمترین پیامدهای منفی آن پرداخته شود.

با توجه به گسترش بازرگانی جهانی و پیوستن بسیاری از کشورها به WTO در این چند دهه، آزادسازی بازرگانی به گونهٔ یکی از سیاستهای عادی کشورها در آمده است که در این زمینه کشورهای رو به توسعه به‌علت برخی کاستیها و نارساییها همچون بی‌بهره بودن از شبکهٔ تأمین اجتماعی کارا، در برابر آثار آزادسازی حساس تر و آسیب‌پذیرترند. همچنین به‌علت نداشتن منابع کافی نمی‌توانند از فرصت‌های پیش‌رو بهره‌گیرند و از پیامدهای مثبت سیاست آزادسازی بازرگانی سود ببرند.

## بخش نخست: نگاهی به ادبیات موضوع

آزادسازی بازرگانی ریشه در دیدگاهها و اندیشه‌های کلاسیک دارد و پیشینهٔ آن به گذشته‌های بسیار دور بازمی‌گردد. آدام اسمیت و ریکاردو بر پایهٔ نظریه‌های مزیت مطلق و نسبی معتقد بودند که بازرگانی میان

○ تجارب جهانی گویای آن است که در سایهٔ آزادسازی و تعدیل اقتصادی، بخش کشاورزی بیشترین زیان را می‌بیند. بنابراین لازم است مشکلات برآمده از سیاست تعدیل و آزادسازی بازرگانی به درستی بررسی و با شناخت ابعاد گوناگون مسئله، به اجرای سیاست آزادسازی با کمترین پیامدهای منفی آن پرداخته شود.

همخوان و هماهنگ کنند ولی کسانی که زیر خط فقرند نمی‌توانند راه مصرف خود را هموار کنند و از این رو تعدیل کوتاه مدت نه تنها ناداری را افزایش می‌دهد، بلکه تراکم و شدت آنرا هم در میان تهیدستان بیشتر می‌کند.

نتیجه بررسیهای (Anderson و Hagen, 2000) و (Maested & Michelson و Hazell & Hagen, 2001) و (Hertel, 1997) نشان می‌دهد که سیاستهای بازرگانی همچون وضع تعرفه و سهمیه‌بندی در بخش کشاورزی سنگین‌ترین هزینه را به لحاظ مختل کردن بازارهای جهانی در سنجش با دیگر بخشها به بار می‌آورد، در عین حال که منافع برآمده از افزایش صادرات نیز برای کشورهای رو به توسعه وابسته به کشاورزی قابل سنجش با منافع صادرات کالاهای صنعتی نیست. برای نمونه می‌توان به نروژ و مغولستان که به ترتیب دو کشور توسعه یافته و رو به توسعه هستند اشاره کرد. بر پایه آمارهای ۲۰۰۱، دو کشور تعرفه واردات کمابیش یکسان در برابر صادرات خود داشته‌اند، یعنی ۲۳ میلیون دلار برای تعرفه‌ها پرداخت کرده‌اند، ولی مغولستان توانسته ۱۴۳ میلیون دلار صادرات (بیشتر کالاهای کشاورزی) داشته باشد در حالی که نروژ توانسته است ۵/۲ میلیارد دلار یعنی ۴۰ برابر مغولستان کالاهای صنعتی صادر کند. بدین سان روشن می‌شود که کالاهای کشاورزی در سنجش با کالاهای صنعتی، با نرخهای بسی بالاتر تعرفه‌ای روبه‌رو است.

### بخش دوم: آزادسازی، امنیت

#### خوراکی و توسعه کشاورزی

امنیت خوراکی مقوله‌ای است که در همه کشورهای چه توسعه یافته و چه رو به توسعه، اولویت ویژه دارد. تولید کشاورزی در درون کشور از مهمترین عوامل خودکفایی به شمار می‌آید و واردات مواد خوراکی نیز به گونه دیگری می‌تواند به افزایش امنیت خوراکی کمک کند. با توجه به اینکه آزادسازی باعث دگرگونی قیمت‌های نسبی می‌شود، می‌تواند بر واردات از جمله

نرخهای تعرفه، در کوتاه مدت می‌تواند باعث کاهش تولید و اشتغال در صنایع حمایت شده داخلی شود و از این رو بر دامنه ناداری می‌افزاید، ولی در درازمدت که منابع برای افزایش صادرات از بخش غیر قابل مبادله به بخش قابل مبادله سرازیر می‌شود، آثار منفی بر پایه قضیه یاد شده و در پیوند با بازار کار کاهش می‌یابد و اگر عرضه نیروی کار ثابت و دستمزدها نرمش‌پذیر باشد، افزایش بهای کالای کاربر به افزایش دستمزد واقعی و کاهش بازده واقعی سرمایه می‌انجامد؛ ولی در صورتی مایه کاهش فقر می‌شود که خانوارهای تهیدست تا اندازه زیادی وابسته به دستمزد نیروی کار غیر ماهر باشند.

به هر روی روشن نیست در کشورهای رو به توسعه که کارگران با کمترین مهارت که چه بسا تنگدست هم هستند بیشترین عاملی باشند که در تولید کالاهای قابل مبادله به کار گرفته می‌شوند. از سوی دیگر، اگر بازار کار انعطاف‌پذیر نباشد، هزینه تعدیل با نرخ بالای بیکاری بیشتر هم می‌شود. بر سرهم، کسانی که بالای خط فقر هستند با دارایی خود یا امکان دسترسی به اعتبارات مالی، می‌توانند مصرف خود را با شرایط

#### ○ با توجه به گسترش بازرگانی جهانی و

پیوستن بسیاری از کشورها به WTO در این چند دهه، آزادسازی بازرگانی به گونه یکی از سیاستهای عادی کشورها درآمده است که در این زمینه کشورهای رو به توسعه به علت برخی کاستیها و نارساییها همچون بی بهره بودن از شبکه تأمین اجتماعی کارا، در برابر آثار آزادسازی حساس تر و آسیب پذیرترند. همچنین به علت نداشتن منابع کافی نمی‌توانند از فرصت‌های پیش رو بهره گیرند و از پیامدهای مثبت سیاست آزادسازی بازرگانی سود ببرند.

○ به علت وابستگی سنگین بیشتر کشورهای رو به توسعه به درآمدهای تعرفه‌ای، حذف و حتی کاهش این تعرفه‌ها می‌تواند برای آنها دردسرساز شود، بویژه آنکه نبود سامانه‌ای مناسب برای گردآوری مالیات و نیز وجود فساد اداری و فرار مالیاتی در کشورهای رو به توسعه، امکان نشانیدن مالیات داخلی به جای درآمد تعرفه‌ای را دشوارتر و پرهزینه‌تر می‌سازد.

بهای کالاهای کشاورزی را فراهم آورد؛ هرچند در درازمدت، با توجه به افزایش بهای جهانی کالاهای کشاورزی، انگیزه تولید در بخش کشاورزی کشورهای

واردات کالاهای کشاورزی و در نتیجه بر امنیت خوراکی اثر گذارد.

سیاری از کشورها بویژه کشورهای بزرگ صادرکننده کالاهای کشاورزی یارانه‌های کلانی به تولیدکنندگان مواد کشاورزی می‌دهند و با این شیوه پشتیبانی، بهای فرآورده‌های کشاورزی را پایین می‌آورند. با درپیش گرفتن سیاست آزادسازی بازرگانی و کاهش دادن یا از میان برداشتن یارانه‌های صادراتی، بهای جهانی فرآورده‌های کشاورزی افزایش می‌یابد و این می‌تواند دستکم در کوتاه مدت اثر منفی بر امنیت خوراکی کشورهای کم درآمد واردکننده کالاهای کشاورزی داشته باشد. در همان حال، کاهش یارانه‌های صادراتی باعث کاهش انگیزه تولید کشاورزی در این کشورها می‌شود و حجم تولید را کاهش می‌دهد و بدین سان در سایه کاهش عرضه، می‌تواند زمینه افزایش

جدول ۱ - میانگین معادل تعرفه‌ای موانع دسترسی به بازار واردات کالاهای بازرگانی

منطقه صادر کننده		منطقه وارد کننده	
		کشورهای توسعه یافته	کشورهای رو به توسعه
<b>کشاورزی</b>			
کشورهای توسعه یافته		۱۶	۲۲
کشورهای رو به توسعه		۱۵	۱۸
جهان		۱۶	۲۰
<b>صنایع:</b>			
کشورهای توسعه یافته		۱	۱۱
کشورهای رو به توسعه		۳	۱۳
جهان		۲	۱۲
<b>انرژی / مواد معدنی</b>			
کشورهای توسعه یافته		۰/۸	۱/۳
کشورهای رو به توسعه		۰/۴	۵/۲
جهان		۰/۲	۳/۰

Source: Hertel (1999)

برای بالا رفتن تولید داخلی، سفارش شده است که نهادهای پژوهشی بین‌المللی همکاری لازم در کاربرد روشهای علمی برای افزایش کمی و بهبود کیفی فرآورده‌ها داشته باشند. در نشست دوحه نیز برای نخستین بار کشورهای رو به توسعه خواهان کمکهای فنی و ظرفیت‌سازی برای مشارکت کامل در گفتگوهای WTO شدند.

آزادسازی بازرگانی از کارهایی است که می‌تواند به رشد اقتصادی بیشتر بینجامد؛ هرچند آثار بازرگانی بر رشد، به گونه‌ای چشمگیر به وجود بازارهای آزاد داخلی، ثبات کلان اقتصادی و نهادی و زیرساختهای مناسب وابسته است، زیرا تولیدکنندگان به پشتوانه این عوامل می‌توانند به نوسانها در بازار بین‌المللی واکنش مناسب نشان دهند.

آزادسازی، بهای نسبی کالاها را تغییر می‌دهد و

رو به توسعه که شرایط مناسبی برای تولیدات کشاورزی دارند، بیشتر می‌شود و می‌تواند زمینه افزایش تولید را فراهم سازد و به امنیت خوراکی این دست کشورها کمک کند. چنانچه کشورهای رو به توسعه تعرفه‌های سنگین برای کالاهای کشاورزی وارداتی داشته باشند و با اجرای سیاست آزادسازی این تعرفه‌ها کاهش یابد، در این صورت اگر کاهش نرخهای تعرفه آنها از افزایش قیمت‌های جهانی بیشتر باشد، بهای این کالاها در درون کشور کاهش می‌یابد. در زمینه صادرات، اگر ساختار کشاورزی سست و کشور تنها به چند کالای صادراتی وابسته باشد، کارکرد صادراتی چندان نمی‌تواند بهبود یابد.

در دورارو گوئه، با هدف کمک به امنیت خوراکی در کشورهای کم درآمد و رو به توسعه، تخفیف مالی (بیمه جهانی واردات) در مقررات مربوط پیش‌بینی شده و نیز

## جدول ۲- سهم بخشی و منطقه‌ای منافع رفاهی اقتصادی از حذف کامل موانع بازرگانی جهانی

پس از دورارو گوئه، ۲۰۰۵ بر پایه میلیارد دلار ۱۹۹۵

منطقه آزادسازی	کشاورزی و مواد خوراکی	دیگر مواد اولیه	پوشاک و پارچه	دیگر صنایع	کل
<b>منطقه سود برنده در آمد بالا</b>					
کشورهای توسعه یافته	۱۱۰/۵	-۰/۱	۵/۷	۸/۱	۹۶/۶
کشورهای رو به توسعه	۱۱/۶	۰/۱	۹	۲۲/۳	۴۳/۱
کل	۱۲۲/۱	۰/۰	۳/۳	۱۴/۲	۱۳۹/۷
<b>در آمد اندک</b>					
کشورهای توسعه یافته	۱۱/۲	۰/۲	۱۰/۵	۲۷/۷	۴۹/۶
کشورهای رو به توسعه	۳۱/۴	۲/۵	۳/۶	۲۷/۶	۶۵/۱
کل	۴۲/۶	۲/۷	۱۴/۱	۵۵/۳	۱۱۴/۷
<b>همه کشورها</b>					
کشورهای توسعه یافته	۱۲۱/۷	۰/۱	۴/۸	۱۹/۶	۱۴۶/۲
کشورهای رو به توسعه	۴۳	۲/۷	۱۲/۵	۴۹/۹	۱۰۸/۱
کل	۱۶۴/۷	۲/۸	۱۷/۳	۶۹/۵	۲۵۴/۳

Source: Anderson (2003)

○ اقدامات در زمینه آزادسازی، همچون از میان برداشتن موانع غیر تعرفه‌ای و کاهش نرخهای تعرفه، در کوتاه مدت می‌تواند باعث کاهش تولید و اشتغال در صنایع حمایت شده داخلی شود و از این رو بر دامنه ناداری می‌افزاید، ولی در درازمدت که منابع برای افزایش صادرات از بخش غیرقابل مبادله به بخش قابل مبادله سرازیر می‌شود، آثار منفی بر پایه قضیه یاد شده و در پیوند با بازار کار کاهش می‌یابد و اگر عرضه نیروی کار ثابت و دستمزدها نرمش پذیر باشد، افزایش بهای کالای کاربر به افزایش دستمزد واقعی و کاهش بازده واقعی سرمایه می‌انجامد؛ ولی در صورتی مایه کاهش فقر می‌شود که خانوارهای تهیدست تا اندازه زیادی وابسته به دستمزد نیروی کار غیر ماهر باشند.

کشورهای توسعه یافته کمتر است. برای نمونه، معادل تعرفه‌ای انرژی و مواد معدنی کشورهای یادشده برای واردات از کشورهای توسعه یافته ۰/۸ و برای کشورهای رو به توسعه وارد کننده ۱/۳ است. بنابراین با توجه به سطح بالای حمایتی که از فرآورده‌های کشاورزی و کالاهای ساخته شده سبک همچون پوشاک و پارچه می‌شود و نیز اینکه کشورهای رو به توسعه در این زمینه‌ها مزیت و منافع بازرگانی دارند، برداشته شدن موانع بازرگانی در بخش کشاورزی منافع بالقوه زیادی برای این کشورها دارد.

### بخش سوم: آزادسازی و رفاه اقتصادی

Anderson در سال ۲۰۰۳ منافع رفاهی اقتصادی برآمده از حذف کامل موانع بازرگانی وارداتی را که

بنابراین اثر خالص آن بر کاهش فقر وابسته به چگونگی نوسان بهای کالاها و چگونگی اثرگذاری آن بر بهای عوامل و درآمد خانوار است.

برخی از آثار آزادسازی را می‌توان چنین برشمرد:

- دگرگون شدن بهای داخلی کالاها و خدمات

- پدید آمدن بازارهای تازه

- پدید آمدن انگیزه برای تهیدستان برای بهره‌گیری

از فرصتهای تازه

- آثار غیرمستقیم و سرریز (Spill over Effect) در

دوره‌های آینده که بیشتر به سود تهیدستان است

- افزایش تقاضا برای بهره‌گیری از عامل کار که

دارایی اصلی گروههای تهیدست است

- پیدا شدن فرصتهای شغلی موقت برای تهیدستان.

پس از دورار و گوته مقرر شد که موانع غیر تعرفه‌ای

برای دسترسی به بازار برداشته و به جای آن، نرخهای

تعرفه‌ای گذاشته شود. بر پایه برآوردها از سوی Hertel

(1997) این نرخها یعنی معادلهای تعرفه‌ای که در ۱۹۹۵

محاسبه شده گویای آن است که میانگین معادل تعرفه‌ای

موانع وارداتی در بخش کشاورزی بالاتر از دیگر بخشها

(صنایع، انرژی و مواد اولیه) است؛ بویژه این وضع

در کشورهای با درآمد بالا (توسعه یافته) بیشتر دیده

می‌شود. برای نمونه در این کشورها معادل تعرفه‌ای

۱۶ درصد برای واردات کشاورزی کشورهای

توسعه یافته محاسبه شده در حالی که برای واردات

صنعتی این رقم ۱ درصد است. هرچند در کشورهای

رو به توسعه کم درآمد نیز معادل تعرفه‌ای کشاورزی رقم

بالایی است که گویای پشتیبانی از بخش کشاورزی در

این کشورها است، اما بخش صنایع نیز پشتیبانی شده

است.

برای نمونه معادل تعرفه‌ای کشورهای رو به توسعه

برای واردات کشاورزی از کشورهای توسعه یافته

۲۲ درصد محاسبه شده در حالی که این رقم برای صنایع

۱۱ درصد بوده و گویای آن است که از بخش صنعت نیز

به گونه نسبی پشتیبانی می‌شود. کمترین معادل تعرفه‌ای

مربوط به انرژی و مواد معدنی است که مقدار آن در مورد



کشاورزی برای همه کشورهای رو به توسعه بر سر هم ۴۲/۶ میلیارد دلار منافع رفاهی به همراه داشته که بخش بزرگی از آن (۳۱/۴ میلیارد دلار) برآمده از اجرای آزادسازی در خود کشورهای رو به توسعه بوده است. منافع رفاهی کشورهای رو به توسعه بر سر هم ۱۱۴/۷ میلیارد دلار بوده که ۶۵/۱ میلیارد دلار آن در پرتو آزادسازی به دست آمده و گویای این واقعیت است که آزادسازی در کشورهای رو به توسعه، سرانجام به سود این کشورها است.

در مورد صنایع نیز نتایج پژوهش گویای آن است که منافع کشورهای رو به توسعه از منافع رفاهی کشورهای توسعه یافته بسی بیشتر است. (۵۵/۳ میلیارد دلار برابر با ۱۴/۲ میلیارد دلار)

بر سر هم در دیگر صنایع ۶۹/۵ میلیارد دلار بعنوان منافع آزادسازی به دست می آید که بخش بزرگی از آن (۴۹/۹ میلیارد دلار) مربوط به آزادسازی در کشورهای رو به توسعه است.

جدول ۳ سود رفاهی اقتصادی ناشی از برداشته شدن موانع بازرگانی را بر حسب درصد از منافع کل جهانی نشان می دهد. سهم نسبی منافع رفاهی ایجاد شده گویای آن است که بر سر هم ۵۷/۵ درصد کل منافع در کشورهای توسعه یافته و ۴۲/۵ درصد منافع در کشورهای رو به توسعه پدید می آید و بخش بزرگی از منافع ایجاد شده در کشورهای توسعه یافته مربوط به آزادسازی در بخش کشاورزی و مواد خوراکی (۴۷/۹ درصد از ۵۷/۵ درصد) بوده است.

سهم پوشاک و پارچه، بر سر هم از منافع کل رفاهی ۶/۸ درصد است که ۱/۹ درصد آن در کشورهای توسعه یافته و ۴/۹ درصد آن در کشورهای رو به توسعه ایجاد می شود. سهم منافع به دست آمده از آزادی پوشاک و پارچه در سنجش با سهم کشاورزی اندک است (۷ درصد در برابر ۵۶ درصد).

در بررسی Anderson (2003) منافع رفاهی مناطق گوناگون جهان پس از برداشته شدن کامل موانع بازرگانی جهانی بر پایه دورار و گوئه تا سال ۲۰۰۵ برآورد شده

می بایست بر پایه مقررات دورار و گوئه تا سال ۲۰۰۵ انجام شود محاسبه کرده است.<sup>۱</sup> این بررسیها هم به تفکیک بخشهای تولیدی و هم به تفکیک مناطق زیرپوشش (توسعه یافته و رو به توسعه) انجام شده است.

بر پایه این برآوردها، ۱۲۲/۱ میلیارد دلار از منافع در سایه آزادسازی بازرگانی کالاهای بخش کشاورزی و مواد خوراکی از سوی کشورهای توسعه یافته به دست می آید که برابر ۴۸ درصد منافع کل (۲۵۴/۳ میلیارد دلار) است.<sup>۲</sup>

بیش از ۶۴ درصد از کل منافع برآمده از آزادسازی جهانی، در بخش کشاورزی و مواد خوراکی است (۱۶۴/۷ میلیارد دلار از ۲۵۴/۳ میلیارد دلار).

چنان که جدول ۲ نشان می دهد، نزدیک به یک دهم یعنی ۱۲ میلیارد دلار از ۱۲۲ میلیارد دلار منافع کشورهای توسعه یافته در بخش کشاورزی و مواد خوراکی در پرتو آزادسازی در کشورهای رو به توسعه به دست آمده است.

گفتنی است که بر پایه این پژوهش، آزادسازی بخش

### ○ آزادسازی بخش کشاورزی برای همه

کشورهای رو به توسعه بر سر هم ۴۲/۶ میلیارد دلار منافع رفاهی به همراه داشته که بخش بزرگی از آن (۳۱/۴ میلیارد دلار) برآمده از اجرای آزادسازی در خود کشورهای رو به توسعه بوده است. منافع رفاهی کشورهای رو به توسعه بر سر هم ۱۱۴/۷ میلیارد دلار بوده که ۶۵/۱ میلیارد دلار آن در پرتو آزادسازی به دست آمده و گویای این واقعیت است که آزادسازی در کشورهای رو به توسعه، سرانجام به سود این کشورها است.

○ هر چند فرایند آزادسازی بازرگانی برای کشورهای رو به توسعه سودمندی‌هایی دارد و می‌تواند رفاه در این کشورها را بهبود بخشد، ولی دشواری‌هایی نیز به بار می‌آورد. در واقع، برآورد دقیق سود و زیان آزادسازی بر پایه الگوهای مرسوم اقتصادی امکان‌پذیر نیست.

دیگر نقاط جهان بسیار کم است (۵۲ میلیارد دلار). سهم مکزیک نیز از آزادسازی چشمگیر نیست (به‌علاوه اجرای سیاست آزادسازی پیش از دوران گوته). گفتمنی است که در این برآوردها، به‌علاوه محدودیت‌های آماری و مشکلات مربوط به الگوسازی،

است (جدول ۴). این منافع رفاهی به تفکیک از کارآیی بهره‌گیری از منابع و نیز از دگرگونی رابطه مبادله به دست آمده است.

بر پایه این برآوردها، همه مناطق جهان، سرانجام سود رفاهی خواهند داشت؛ هر چند بسیاری از آنها متحمل زیان برآمده از دگرگونی رابطه مبادله نیز خواهند شد، ولی به‌علاوه سود و منافع برآمده از کارایی بهره‌گیری از منابع، بر سرهم از آزادسازی سود خواهند برد. سود رفاهی آسیا (شمال خاوری) به ۹۵۱۷۲ میلیارد دلار و سود آسیای جنوب خاوری به ۱۰۹۳۴ میلیارد دلار می‌رسد و بر سرهم با احتساب چین و هند، قاره آسیا سهم چشمگیری از سود رفاهی آزادسازی را به خود اختصاص داده است.

سهم صحرای آفریقا از منافع آزادسازی در سنجش با

**جدول ۳- سهم بخشی و منطقه‌ای منافع رفاهی اقتصادی ناشی از حذف کامل موانع بازرگانی پس از دوران گوته، ۲۰۰۵ بر حسب درصد از منافع کل جهانی**

منطقه آزادسازی	کشاورزی و مواد خوراکی	دیگر مواد اولیه	پوشاک و پارچه	دیگر صنایع	کل
<b>منطقه سود برنده در آمد بالا</b>	۴۳/۴	۰/۰	۲/۳	۳/۲	۳۸
کشورهای توسعه یافته					
کشورهای رو به توسعه	۴/۶	۰/۱	۳/۵	۸/۸	۱۶/۹
کل	۴۸	۰/۰	۱/۳	۵/۶	۵۴/۹
<b>درآمد اندک</b>	۴/۴	۰/۱	۴/۱	۱۰/۹	۱۹/۵
کشورهای توسعه یافته					
کشورهای رو به توسعه	۱۲/۳	۱	۱/۴	۱۰/۹	۲۵/۶
کل	۱۶/۷	۱/۱	۵/۵	۲۱/۷	۴۵/۱
<b>همه کشورها</b>	۴۷/۹	۰/۱	۱/۹	۷/۷	۵۷/۵
کشورهای توسعه یافته					
کشورهای رو به توسعه	۱۶/۹	۱	۴/۹	۱۹/۹	۴۲/۵
کل	۶۴/۸	۱/۱	۶/۸	۲۷/۳	۱۰۰

Source: Anderson (2003)



منافع برآمده از اصلاح سیاستهای بازرگانی خدمات (آزادسازی خدمات) و منافع به دست آمده از صرفه جویی های مقیاس و منافع پویا محاسبه نشده است. اگر در کشور وارد کننده، پشتیبانی قیمتی از مواد خوراکی نشود و آن کشور نزدیک به خود کفایی باشد، آن کشور می تواند به کشور صادر کننده تبدیل شود و رفاه خالص اقتصادی اش افزایش یابد. اما اگر با وجود دارا بودن مزیت نسبی، سیاستهای مربوط به مواد خوراکی که کشور رو به توسعه وارد کننده خالص آن است حمایتی باشد، افزایش بهای بین المللی می تواند رفاه اقتصادی را افزایش دهد، حتی اگر دگرگونی قیمت برای تبدیل به یک کشور صادر کننده هم کافی نباشد زیرا به هر رو بهای بالاتر مواد خوراکی، منابع متحرک را از بخشهای گرفتار نابسامانی بیشتر خارج می سازد و سرانجام کارایی

تخصیص منابع را افزایش می دهد. نتایج بررسی اندرسون، یانکووی چینا و هوانگ (۲۰۰۲) درباره چین و اثر پیوستن آن به WTO در دو سناریوی پیوستن بی حذف اختلالات بازار کار، و الحاق با شرط حذف عوامل اختلال از بازار کار، در جدول ۵ آمده است.

نتایج این بررسی گویای آن است که بی اصلاح بازار کار، پیوستن به WTO موجب کاهش پاداش به کار غیرماهر کشاورزی و درآمدهای برآمده از اجاره زمینهای کشاورزی می شود، در حالی که پاداش به دیگر عوامل تولید افزایش می یابد. نتایج این پژوهش نشان می دهد که بیش از ۵۰ درصد درآمدهای کشاورزان که از کار غیرماهر کشاورزی به دست می آید، با پیوستن به WTO آسیب می بیند، اما در صورت از میان رفتن

### جدول ۲- سود رفاهی اقتصادی مناطق گوناگون جهان از حذف کامل موانع جهانی بازرگانی

پس از دور اروگوئه، ۲۰۰۵ (بر حسب میلیارد دلار ۱۹۹۵)

منطقه	سود در سایه کارایی بهره گیری از منابع	سود در سایه دگرگونی رابطه مبادله	سود رفاهی کل
آسیا (شمال خاوری)	۸۶۶۳۵	۱۱۴۹۷	۹۵۱۷۲
آسیا (جنوب خاوری)	۱۸۷۱۰	-۷۲۳۳	۱۰۹۳۴
چین	۱۸۶۱۹	-۹۹۱۳	۹۰۵۳
هند	۱۲۵۹۶	-۴۸۰۸	۷۴۱۴
دیگر کشورهای آسیا	۱۰۴۵۲	-۳۱۲۸	۶۲۴۵
استرالیا / نیوزیلند	۱۰۱۶	۵۸۵۲	۶۷۰۲
امریکای شمالی	۸۰۲۸	۱۳۱۵۰	۲۰۴۷۶
مکزیک	۲۲۴۰	-۱۹۲۷	۸۶۷
دیگر کشورهای آمریکای لاتین	۲۰۰۹	۳۶۹۰	۵۵۶۲
اروپای باختری	۵۵۷۱۲	-۶۴۰۱	۵۰۱۳۰
کشورهای خاورمیانه غیر آفریقایی	۹۶۴۲	-۳۴۲۶	۵۵۶۵
آفریقای جنوبی	۳۵۱۵	۱۱۹۶	۴۵۸۹
دیگر کشورهای صحرای آفریقا	۱۱۹۸	-۷۱۵	۵۲
باقی جهان	۶۹۷۶	-۱۲۵۷	۴۷۴۸

Source: Anderson (2003)

○ اگر در کشور وارد کننده، پشتیبانی قیمتی از مواد خوراکی نشود و آن کشور نزدیک به خود کفایی باشد، آن کشور می تواند به کشور صادر کننده تبدیل شود و رفاه خالص اقتصادی اش افزایش یابد. اما اگر با وجود دارا بودن مزیت نسبی، سیاستهای مربوط به مواد خوراکی که کشور رو به توسعه وارد کننده خالص آن است حمایتی باشد، افزایش بهای بین المللی می تواند رفاه اقتصادی را افزایش دهد، حتی اگر دگرگونی قیمت برای تبدیل به یک کشور صادر کننده هم کافی نباشد زیرا به هر رو بهای بالاتر مواد خوراکی، منابع متحرک را از بخشهای گرفتار نابسامانی بیشتر خارج می سازد و سرانجام کارایی تخصیص منابع را افزایش می دهد.

بازرگانی حقوق مالکیت معنوی (Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights) (TRIPS) که برای کشورهای توسعه یافته، باعث گردیده است که میلیاردها دلار هزینه زیر عنوان «حق امتیاز» و «پروانه» به کشورهای رو به توسعه تحمیل شود. برای برآوردهای بانک جهانی، زیان TRIPS برای کشورهای رو به توسعه بسی بیش از منافع آن برای این کشورها است.

#### ت- نگهداری ذخایر ارزی

در جریان آزادسازی، کشورهای رو به توسعه ناگزیر می شوند برای حفظ ثبات مالی خود سپرده های کلان ارزی را به گونه ذخیره نگهداری کنند که هزینه فرصتی آن بسیار بالاست، بویژه که این کشورها سخت نیاز به سرمایه گذاری فیزیکی و انسانی دارند.

محدودیت های مهاجرت<sup>۳</sup> و وضع خانوارهای کشاورز بهتر می شود زیرا شمار بیشتری از اعضای خانواده کشاورز به فعالیتهای غیر کشاورزی خواهند پرداخت. بر پایه جدول ۵، در صورت از میان رفتن نابسامانیهای بازار کار، دستمزد کشاورزان غیر ماهر نه تنها کاهش نخواهد یافت بلکه دستمزد افراد غیر ماهر در این بخش ۱۶/۸ درصد بالا خواهد رفت، ولی دستمزد نیروی کار ماهر در این بخش ۱/۷ درصد کاهش خواهد یافت. بدین سان، با برطرف شدن نابسامانیهای بازار کار، درآمد همه خانوارهای کشاورز افزایش می یابد؛ هر چند درآمد خانوارهایی که از نیروی کار غیر ماهر در فعالیتهای غیر کشاورزی بهره نمی گرفته اند، نسبت به دیگر خانوارها افزایش بیشتری داشته است.

### بخش چهارم: مشکلات آزادسازی در

#### کشورهای رو به توسعه

الف- وابستگی به درآمدهای برآمده از تعرفه درآمد تعرفه ای بخش مهمی از درآمد کشورهای رو به توسعه را تشکیل می دهد. هرگاه تعرفه کاهش یابد یا از میان برداشته شود، این کشورها باید مالیات داخلی را افزایش دهند که با توجه به مشکلات گردآوری مالیات و هزینه های مربوط می تواند مایه نابسامانیهای بسیار در اقتصاد شود.

#### ب- بیکاری های موقت

با از میان رفتن موانع بازرگانی، بخش کشاورزی نیز با دشواریهایی روبه رو می شود و مازاد نیروی کار روستایی (نیروی بیکار شده) پدید می آید که این نابسامانی نیز در بیشتر الگوها منظور نمی شود زیرا این الگوها بر پایه نگرش درازمدت تنظیم می شود و بر این فرض استوار است که بیکاران سرانجام در درازمدت جذب دیگر بخشهای توسعه یافته خواهند شد.

#### پ- حقوق مالکیت معنوی

موافقتنامه های اخیر بازرگانی مانند جنبه های

## ث- برآورد آثار آزادسازی

الگوهای گوناگونی برای برآورد آثار آزادسازی به کار گرفته می‌شود که نتایج آنها یکسره متفاوت است؛ هر چند ناهمگونی نتایج، برآمده از تفاوت ساختار و شیوه برآورد الگوهای یاد شده است.

اما عوامل متعدّد و آثار فراوانی وجود دارد که به علت قابل اندازه‌گیری نبودن یا دشوار بودن اندازه‌گیری آنها، در الگو منظور نمی‌شود و از این رو این دست الگوها از توان پیش‌بینی کامل بی‌بهره است. برای نمونه، بر اثر آزادسازی صنایع در روند اصلاحی، بازده نسبت به مقیاس افزایش می‌یابد که باعث می‌شود آثار رشد

بازرگانی تشدید شود. گذشته از آن گسترش بازرگانی هم به افزایش سرمایه و سرمایه‌گذاری می‌انجامد، هم بهره‌وری در صنایع افزایش می‌یابد. ولی همه این موارد در الگوهای معمول نادیده گرفته می‌شود زیرا نتایج آنها ملموس و قابل اندازه‌گیری نیست.

در زمینه خدمات که منافع آزادسازی آن از منافع آزادسازی کالایی بیشتر است، موانع بازرگانی کمتر به گونه‌ی تعرفه یا سهمیه و بیشتر به صورت مقررات و محدودیتهای دولتی است که به آسانی قابل اندازه‌گیری نیست.

از دلایل دیگری که کشورهای رو به توسعه به

### جدول ۵ - نوسان بهای واقعی عوامل و رفاه در چین در نتیجه پیوستن آن کشور به WTO در دو سناریوی گوناگون

پیوستن به WTO با حذف اختلالات بازار کار	پیوستن به WTO بی حذف اختلالات بازار کار	پاداش عوامل
۱۶/۸	-۰/۷	دستمزد نیروی کار غیر ماهر کشاورزی
-۹/۷	۵/۵	درآمد حاصل از اجاره
-۳/۸	۱/۲	دستمزد غیر ماهر کشاورزی
-۱/۷	۰/۸	دستمزد نیروی کار ماهر
-۱/۴	۱/۳	درآمد برآمده از سرمایه
		<b>درآمد خانوار کشاورز (a)</b>
۸/۶	-۱/۶	خانوار کشاورزی نوع A
۳/۶	-۰/۸	خانوار کشاورز نوع B
۰/۴	۰/۱	خانوار کشاورز نوع C

Source: Anderson, Ianchovich and Huang (2002)

(a) برپایه برآوردها، به گونه میانگین، ۵۱ درصد درآمد خانوار روستایی در چین غیر کشاورزی بوده و بیشتر از راه کار غیر ماهر به دست آمده است. بنابراین برای نشان دادن اهمیت درآمدهای غیر کشاورزی برای خانوارهای کشاورز، آنها در سه گروه به شرح زیر رده‌بندی شده‌اند:

- الف- گروهی که سهم نیروی کار غیر ماهر غیر کشاورزی صفر درصد از کل درآمد خانوار است
- ب- گروهی که سهم نیروی کار غیر ماهر غیر کشاورزی ۳۰ درصد از کل درآمد خانوار است
- پ- گروهی که سهم نیروی کار غیر ماهر غیر کشاورزی ۶۰ درصد از کل درآمد خانوار است

در درازمدت صادق باشد و در کوتاه مدت فرض درستی نیست زیرا جابه‌جایی بیکار شدگان از بخش کشاورزی به بخش صنعت فرایندی بسیار دشوار است و به هر روی بسیاری از آنان برای زمانی دراز بیکار خواهند ماند.

فرض ضمنی دیگر در بیشتر الگوهای آزادسازی آن است که سرمایه‌گذار بهای مستقیم خارجی می‌تواند زمینه اشتغال شمار بیشتری از بیکاران را فراهم کند، در حالی که هیچ تضمینی برای آن وجود ندارد.

### بخش پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هر چند فرایند آزادسازی بازرگانی برای کشورهای رو به توسعه سودمندیهایی دارد و می‌تواند رفاه در این کشورها را بهبود بخشد، ولی دشواریهایی نیز به بار می‌آورد. در واقع، بر آورد دقیق سود و زیان آزادسازی به دلایلی که پیشتر گفته شد، بر پایه الگوهای مرسوم اقتصادی امکان‌پذیر نیست.

به علت وابستگی سنگین بیشتر کشورهای رو به توسعه به درآمدهای تعرفه‌ای، حذف و حتی کاهش این تعرفه‌ها می‌تواند برای آنها در دلساز شود، بویژه آنکه نبود سامانه‌ای مناسب برای گردآوری مالیات و نیز وجود فساد اداری و فرار مالیاتی در کشورهای رو به توسعه، امکان نشان دادن مالیات داخلی به جای درآمد تعرفه‌ای را دشوارتر و پرهزینه‌تر می‌سازد.

○ بهتر است سیاست آزادسازی آرام‌آرام و مرحله‌ای به اجرا درآید تا مجالی برای از میان بردن آثار منفی آن باشد. با توجه به آثار منفی آزادسازی بر اشتغال بویژه افزایش بیکاری در بخش کشاورزی، لازم است سامانه آموزشی و کارآموزی، همراه و همخوان با آزادسازی دگرگون شود تا نیروی کار مازاد، توان فعالیت در بخش‌های کارا تر را داشته باشد

الگوهای اقتصادی اعتماد و اعتقاد ندارند، آن است که: این دست الگوها همواره دو ساده‌سازی زیر را انجام می‌دهند که می‌تواند نتایج ارزیابی الگو را یکسره به هم ریزد:

۱- فرض می‌شود که درآمدهای تعرفه‌ای می‌تواند با مالیات مقطوع جبران شود.

۲- فرض می‌شود که فرایند تعدیل می‌تواند به آسانی و در زمانی کوتاه از صنایع کاهش یابنده به صنایع رشدیابنده عملی شود و بر منافع یازبانهای آزادسازی بی‌اثر است.

این دو فرض با واقعیات در کشورهای رو به توسعه سازگار نیست زیرا مالیات‌های گوناگون چه مالیات بر درآمد یا مالیات غیر مستقیم، به اختلالات اقتصادی می‌انجامد که کاهش تولید را در پی دارد؛ در حالی که حذف تعرفه (تعرفه را نیز می‌توان مالیاتی دانست که بر کالای وارداتی وضع شده است) و جایگزین کردن آن با مالیات، گونه دیگری نابسامانی پدید می‌آورد و روشن نیست که این دگرگونی و جانشینی سودی به همراه داشته باشد.

این نکته برای کشورهای رو به توسعه مهم است زیرا بخش بزرگی از درآمدهای مالیاتی آنها به شکل تعرفه است (که در کشورهای گوناگون از ۱۰ تا ۶۰ درصد درآمد دولت مرکزی را تشکیل می‌دهد). گذشته از آن، در کشورهای رو به توسعه، تعرفه به آسانی و در مرزهای ورودی دریافت می‌شود در حالی که مالیات که باید از همه مردمان و در سراسر کشور دریافت شود، نیازمند سامانه گسترده و پرهزینه است و بیشتر کشورهای رو به توسعه شبکه ارتباطی نیرومندی ندارند و از نظام مدرن گردآوری مالیات نیز بی‌بهره‌اند.

مسائل مربوط به فساد اداری و فرار مالیاتی در این کشورها نیز چشمگیر است و تجربه نشان داده است که کاهش تعرفه‌ها به افت خدمات عمومی و دولتی و افزایش هزینه‌های دولت برای برپا کردن سازمانهای تازه مالیاتی انجامیده است.

فرض دوم درباره جابه‌جایی نیروی کار نیز می‌تواند

کار می‌رود.

### فهرست منابع

#### منابع فارسی:

۱. حیدری، غلامرضا و همکاران (۱۳۷۶). تأثیر دور آرو گوئه بر کشاورزی، مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی
۲. حیدری، غلامرضا و همکاران (۱۳۷۵). کشاورزی ایران و گات، تهران، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی
۳. ختائی، محمود (۱۳۷۸). بررسی توانایی‌های بخش کشاورزی در بهبود تراز پرداخت‌های کشور، مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی
۴. سالم، بهنام (۲۰۰۳). «آزادسازی تجاری بخش کشاورزی و اثرات آن بر تولیدکنندگان کشاورزی و فقرای روستایی»، مقاله ارائه شده به سازمان بهره‌وری آسیایی (APO)، توکیو.
۵. .... (۱۳۷۲). مجموعه گزارشهای منتخب پیرامون اثرات آزادسازی اقتصادی بر بخش کشاورزی، دبیرخانه مجتمع عالی پژوهش‌های اقتصادی اجتماعی
۶. گیلانی‌پور، امید و همکاران (۱۳۸۱). حمایت از بخش کشاورزی (اندازه و ابزارهای حمایت در کشورهای مختلف)، مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی
۷. مظفری، سیامک و همکاران (۱۳۷۶). «اثرات سازمان تجارت جهانی بر کشاورزی»، مجموعه مقالات منتخب، مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی

#### منابع انگلیسی:

1. Anderson, K. (2003), "Agriculture, Developing Countries, and WTO Millennium Round", Ch. 1 in **Agriculture and the New Trade Agenda from a Development Perspective**, Edited by M.D. Ingo and L.A Winters, Cambridge, Cambridge University Press.
2. Anderson K., Ianchovichina and J. Huang (2002), **Impact of China's WTO Accession on Rural- Urban Income Inequality and Poverty**, World Bank research Paper, World Bank, Washington D.C., June.
3. Anderson, K. and B. Hoekman (2000), "Developing Country Agriculture and the New Agenda", **Economic Development and Cultural Change**, 49 (1), pp. 171-

با توجه به فقر چشمگیر در کشورهای رو به توسعه، هزینه‌های سنگین مربوط به نگهداری ذخایر ارزی برای نشان دادن ثبات مالی در بازارهای مالی بین‌المللی، با وجود نیاز انکارناپذیر به سرمایه‌گذاری بویژه در زمینه‌های زیربنایی و توسعه‌ای، مشکلات بیشتری برای آنها به بار می‌آورد.

همچنین، هزینه‌های کلان اجرای مقررات مربوط به حقوق مالکیت معنوی در زمینه اختراعات، کپی‌رایت و... می‌تواند ضمن مختل کردن بازار داخلی کشورهای رو به توسعه، منافع آنها از آزادسازی را بی‌اثر سازد.

برپایه آنچه گفته شد، بهتر است سیاست آزادسازی آرام آرام و مرحله‌ای به اجرا در آید تا مجالی برای از میان بردن آثار منفی آن باشد. با توجه به آثار منفی آزادسازی بر اشتغال بویژه افزایش بیکاری در بخش کشاورزی، لازم است سامانه آموزشی و کارآموزی، همراه و همخوان با آزادسازی دگرگون شود تا نیروی کار مازاد، توان فعالیت در بخشهای کارا تر را داشته باشد.

واپسین نکته اینکه، یک نظام کامل تأمین اجتماعی دربرگیرنده حمایت‌های گوناگون بویژه بیمه بیکاری، می‌تواند نقش کارساز در کاهش تهیدستی و آثار منفی آزادسازی بازی کند.

### یادداشت‌ها

۱. این محاسبات برپایه داده‌های پایه‌ای پروژه تحلیل بازرگانی جهانی (GTAP) است و در چارچوب یک الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه در دانشگاه Purdue انجام گرفته است.
۲. این کالاها تنها ۴ درصد تولید ناخالص جهانی و کمتر از ۱۰ درصد بازرگانی جهانی را تشکیل می‌دهد.
۳. در چین از زمان انقلاب کمونیستی سیستمی به نام -HU حاکم است که بر پایه آن مقررات سختی در زمینه KOU مهاجرت شهروندان چینی بویژه مهاجرت از روستا به شهر به

- and Business Administration, May.
8. Hazell, and L. Haddad (2001), "Agricultural Research and Poverty Reduction", **IFPRI Research Paper 34**, Washington D.C., International Food Policy Research Institute, August.
  9. Hertel, T.W. (1997), ed., **Global Trade Analysis: Modeling and Application**, Cambridge, Cambridge University Press.
  10. Hertel, T. K. Anderson, J. Francois, B. Hoekman and W. Martin (1999), "Agriculture and Non-Agricultural Liberalization in the Millinium Round", World Bank Research Paper, October.
  11. Krugman, P. (1995), "Growing World Trade: Causes and Consequences", **Brookings Papers on Economic Activity**, Washington, Brooking Institute.
  12. World Bank (2002), **Global Economic Prospects and the Developing Countries**, Washington D.C.: World Bank.
- 80, October.
  4. Anderson, K. and S. Yao (2003), "How Can South Asia and Sub Saharan African Gain from the Next WTO Round", **Journal of Economic Integration**, 18, (3), September.
  5. Brown, D., A. Deardorff, and R. Stern (2001), **CGE Modeling and Analysis of Multilateral and Regional Negotiating Options**, Ann Arbor, MI.: University of Michigan, School of Public Policy
  6. Diao, X, A. Somuaro and T. Roe (2001), "A Global Analysis of Agricultural Reform in WTO Member Countries", Research Paper for USDA Project on Agricultural Policy Reform in the WTO: The Road Ahead, ERS-E01-001, Washington D.C.: US Department of Agriculture.
  7. Hagen, R.J., O. Maestad and A. Michelsen (2001), **Economic Impact of the Least Developed Countries of the Elimination of Impact of Tariffs on their Products'** Bergen: Norwegian School of Economics

